



تصویر زندگی فرودستان در اینستاگرام؛ مطالعه موردی زنان بی‌خانمان بهبود یافته

دانشجوی دکتری رشته علوم ارتباطات دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ایران.

اعظم ده صوفیانی 

عضو هیات علمی گروه روزنامه نگاری دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ایران.

بهارک محمودی حنارود *

چکیده

هدف از نگارش این مقاله مطالعه کنش گروهی از «زنان بی‌خانمان بهبود یافته» به‌عنوان بخشی از فرودستان اجتماعی در اینستاگرام است. گروهی که هرچند به رسانه‌های رسمی دسترسی کمتری دارند، اما در رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی از امکان نمایش خود و زندگی روزمره‌شان برخوردار شده‌اند. از این روی در این مقاله محتوای به اشتراک گذاشته توسط این گروه در اینستاگرام مورد مطالعه قرار گرفت. با این پرسش‌ها که این زنان در پست‌های اینستاگرام خود چه مضامینی را به اشتراک می‌گذارند؟ در این تصاویر گذار از بی‌خانمانی تا باخانمانی چگونه رخ می‌دهد؟ و به‌طور کلی این شبکه اجتماعی چه قابلیت‌ها و فرصت‌هایی را برای آن‌ها به‌عنوان ابزار و استراتژی‌ای برای گذراندن زندگی روزمره فراهم می‌آورد؟ این تحقیق با رویکرد کیفی و روش تحلیل تماتیک و مطالعه ۱۴۰ پست اینستاگرام از صفحه ۱۰ زن بی‌خانمان بهبود یافته انجام شده است. بر اساس یافته‌های نوشته حاضر، سه دسته مضمون شامل «ظاهر آراسته»، «حضور اجتماعی» و «جستجوی عشق و آرامش» در پست‌ها شناسایی شدند. این‌طور به نظر می‌رسد که فقدان نمایش گذشته در گذار از بی‌خانمانی به باخانمانی و ارائه تصویری از زن بدون گذشته در این پست‌ها و نمایش یک «خود» جدید در اینستاگرام، برای این کاربران کارکردی جبران‌کننده داشته است؛ نظیر سیاست و مقاومتی که در نظریه «پیشروی آرام» بیات و مفهوم «تاکتیک کنار آمدن» دوسر تو مطرح می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فرودستان، بی‌خانمانی، زندگی روزمره، نمایش خود، اینستاگرام.

مقدمه

در دنیای رسانه‌ای شده امروز، افراد و گروه‌های زیادی تمایل به دیده شدن دارند و برای خود رسانه‌ای جستجو می‌کنند. این گروه‌ها دیگر به گروه‌های جنسیتی، نژادی، قومی و سنی محدود نمی‌شوند. افراد و گروه‌های بسیار کوچک‌تر و به‌تازگی ایجاد شده‌ای به دلیل انواع بیماری‌ها، معلولیت‌ها، محرومیت‌ها و سلاقی و خواسته‌ها وجود دارند که به دنبال حضور در جامعه و دیده شدن رسانه‌ای هستند. تنوع و تکثری که در سایه دنیای رسانه‌ای شده بیش‌ازپیش بروز و ظهور یافته است، رسانه‌های متنوع و متکثری را نیز طلب می‌کند. شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله رسانه‌هایی هستند که امکان حضور را برای افراد و گروه‌های مختلف فراهم می‌آورند. هرچند که خود این شبکه‌ها نیز باعث بروز و ظهور افراد و گروه‌های مختلف می‌شوند و بر این کثرت و تنوع می‌افزایند.

نایار در کتاب خود که متمرکز بر رسانه‌های نوین و فرهنگ‌های مجازی است، فضای سایبر را از فضای واقعی جدا نمی‌داند و می‌گوید: «فضای سایبر و فرهنگ سایبر همواره در مسائل مادی، جسمانی و عینی ریشه دارند. فناوری‌های فرهنگ سایبر، اجتماعی‌اند و فضای سایبر، مانند فضای مادی، از مجموعه‌ای از فرایندها و تعاملات اجتماعی ساخته شده است» (نایار، ۱۳۹۴: ۸۶). از این رو «نمی‌توان فرهنگ‌های سایبر را صرفاً دنیا‌های مجازی‌ای تلقی کرد که رایانه‌ها آن را به وجود آورده‌اند، بلکه باید آن را صورت‌بندی‌ای در نظر گرفت که به دنیای واقعی و مادی پیوند خورده است، ریشه در آن دارد، آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از آن تأثیر می‌گیرد. ... جایی که در آن مسائلی چون اقتصاد، هویت‌های نژادی/طبقه‌ای/جنسیتی، سیاست و قدرت مهم هستند» (نایار، ۱۳۹۴: ۸۸). از سوی دیگر آنچه برتر و وُلْتِمِر به آن اشاره می‌کنند ادامه حیات رسانه‌های جمعی سنتی در سایه تجزیه‌شدن مخاطبان است «رسانه‌های جمعی سنتی (رادیو، تلویزیون و مطبوعات چاپی) به‌طور برابر و فزاینده‌ای با کوچک‌شدن و تکه‌تکه‌شدن مخاطبان بر اساس سلاقی و منافع مواجه شدند که این شرایط ادامه حیات رسانه‌ها را سخت می‌کند» (Brants and Voltmer, 2011). این دو سوی بحث، مسئله شکاف میان رسانه‌های رسمی و

غیررسمی را برجسته می‌کند. از این رو، بررسی چگونگی حضور گروه‌های فرودست در رسانه‌های رسمی و غیررسمی اهمیت می‌یابد.

در این تحقیق آنچه مورد توجه قرار گرفته تفاوت شیوه‌های بازنمایی از گروه‌های مشخصی از فرودستان در رسانه‌های رسمی و غیررسمی است، رسانه‌هایی همچون تلویزیون، مطبوعات و همچنین کتاب و پژوهش‌های منتشر شده در کنار رسانه‌های همچون شبکه اجتماعی اینستاگرام. کما اینکه مطالعات نشان می‌دهند آنچه در رسانه‌های رسمی، از بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی بیان می‌شود بیشتر بر مسائل و شرایط محیطی بی‌خانمانی (مانند زندگی در خیابان و خرابه‌ها، تحمل سرما و گرسنگی، مرگ و میر، نداشتن امکانات)؛ مسائل بهداشتی و سلامت (بیماری‌های ایدز و هیپاتیت، اعتیاد داشتن، ناقل بیماری بودن)؛ و مسئولان و نهادهای دولتی متولی و ارائه‌دهنده خدمات (مانند بهزیستی، شهرداری، نیروی انتظامی) متمرکز است (نک به: جام جم ۸/۷/۸۷، ۱/۱۰/۸۷، ۲۳/۹/۸۷؛ آفتاب یزد ۳۰/۶/۸۷، ۴/۱۰/۸۷؛ ایران ۲۵/۱۰/۸۷، ۴/۱۱/۹۷؛ رسالت ۲۰/۹/۸۷، ۱۴/۷/۸۷، ۸/۱۰/۹۷؛ اعتماد ۹/۱۱/۹۷؛ شرق ۲/۱۰/۹۷، ۲۱/۵/۹۷). همچنین در پژوهش‌های دانشگاهی نیز مسائل بهداشتی و سلامت (انواع بیماری‌ها به‌ویژه هیپاتیت و ایدز، اعتیاد و سرایت به جامعه)؛ راهکارهای درمان بی‌خانمان‌ها و از بین بردن بی‌خانمانی (از جمله در مفاهیم ساماندهی، برنامه‌ریزی، مدیریت، جمع‌آوری)؛ و مسائل اجتماعی (مانند خطر داشتن برای جامعه، زشت کردن جامعه، عدم حمایت‌های عاطفی به‌ویژه از سوی خانواده، جرائم و آسیب‌های اجتماعی) بی‌خانمان‌ها بیش از همه مورد توجه قرار می‌گیرد (نک به: جوادی، ۱۳۹۶؛ حاتم‌آبادی، ۱۳۹۸؛ رحمانی، ۱۳۹۰؛ سالارزاده امیری، ۱۳۸۸؛ سفیری، ۱۳۹۲؛ غنیمتی، ۱۳۹۶؛ صدیق سروستانی، ۱۳۸۹). از این روست که می‌توان گفت روزنامه‌ها و پژوهش‌ها اغلب بر روی انواع مشکلاتی که بی‌خانمان‌ها با آن مواجه هستند تأکید می‌کنند، ابعادی که به نظر می‌رسد نسبتی با تصویری که بی‌خانمان‌ها از زندگی خود در اینستاگرام به نمایش می‌گذارند ندارد. نکته دیگر اینکه در این رسانه‌ها دوره بی‌خانمانی مورد توجه است، اما بهبودی این گروه‌ها و مسائل آن‌ها برای بازگشت به جامعه مدنظر نیست.

همچنین بررسی اولیه بر روی منابع و تحقیقات نشان داد که فرودستان شامل گروه‌های مختلفی می‌شوند که در مورد هر کدام انواع تحقیقات و نظراتی وجود دارد (نک به: اتابکی، ۱۳۹۶؛ شوهانی، ۱۳۸۹؛ رزاقی و دین پرست، ۱۳۹۳؛ فصیحی، ۱۳۹۶؛ نادری و دلورانی، ۱۳۹۶؛ بیات، ۱۳۹۱؛ آزاد ارمکی و صادقی، ۱۳۹۵؛ ذوالفقاری و نجومیان، ۱۳۸۹). در کتاب *آصف بیات* مفهوم فرودست و تهیدست تاحدی با هم ترکیب می‌شود و به‌رغم اینکه نویسنده واژه تهیدستان را در عنوان کتاب به کار می‌گیرد اما در بخش‌های مختلف، از عناوین دیگری مانند طبقه فرودست، گروه‌های فاقد امتیاز، گروه‌های حاشیه‌ای و طبقه چهارم استفاده می‌کند و از اقشار مختلفی مانند مهاجران، از کار بیکار شده‌گان، تصرف‌کنندگان، آوارگان و دست‌فروشان خیابانی یاد می‌کند و «منظورش افراد و خانواده‌های فاقد قدرت نهادی، آدم‌های «غیر رسمی» است» (بیات، ۱۳۹۱: ۲).

از آنجایی که گروه‌های فرودست معمولاً به رسانه‌های رسمی دسترسی کمتری دارند و یا دسترسی‌شان کنترل شده و محدود است. از این رو، نوعی دیده‌نشدن را در عرصه رسمی جامعه تجربه کرده و فضای مجازی فضای مناسبی برای پر کردن این خلأ به شمار می‌رود. در واقع این فضای مجازی است که به آن‌ها در ارائه تصویری از خود عاملیت بخشیده است. در این مقاله به مطالعه صفحات اینستاگرام «زنان بی‌خانمان بهبودیافته» می‌پردازیم تا دریابیم اینستاگرام چه قابلیت‌ها و فرصت‌هایی را برای آن‌ها فراهم می‌آورد؟ حالا که این گروه در ارائه تصویری از خود عاملیت یافته‌اند چگونه از این رسانه به‌عنوان ابزار و استراتژی گذراندن زندگی روزمره خود بهره می‌برند؟ به‌طور خاص در پست‌های اینستاگرامی خود چه مضامینی را به اشتراک می‌گذارند؟ و به‌طور کلی گذار از بی‌خانمانی تا باخانمانی در این پست‌ها چگونه رخ می‌دهد؟

لازم به یادآوری است که با تکیه بر مطالعات ذکر شده عنوان فرودستی می‌تواند مجموعه‌ای از گروه‌هایی که در ساختار اجتماعی و سلسله‌مراتب قدرت به‌نوعی مطرود شده‌اند دربرگیرد: به‌عنوان مثال زنان و اقلیت‌های قومی و نژادی یا گروه زنان بی‌خانمانی که فرودستی توأم با طردشدگی را تجربه کرده‌اند. از این روی در این مقاله گروه «زنان

بی‌خانمان بهبودیافته» را به‌عنوان گروهی فرودست انتخاب کردیم که هر سه واژه این عبارت به‌صورتی جداگانه یعنی «زنان»، «بی‌خانمان» و «بهبودیافته» روایتی از فرودستی را با خود به همراه دارد؛ نوعی از فرودستی که هم به‌عنوان یک زن، هم به‌عنوان یک بی‌خانمانی و هم در دوران بهبودیافتگی و در بازگشت به جامعه تجربه می‌شود.

مطالعات پیشین

اینستاگرام به‌عنوان یک شبکه اجتماعی مجازی محبوب برای کاربران ایرانی، تحقیقات زیادی را به خود اختصاص داده است از جمله در شماره اخیر فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین (زمستان ۱۳۹۸) سه مقاله به موضوع اینستاگرام پرداخته است (نک به: اجتهادی و کشفی‌نیا؛ اکبرزاده جهرمی و همکاران؛ کیانی). از سوی دیگر تحقیقات نسبتاً زیادی نیز در مورد بی‌خانمان‌ها انجام شده است (نک به: Gonyea and Melekis, 2017; Lewinson, Thomas and White, 2014; Wardhaugh, 1999). این پژوهش‌ها با اینکه زندگی پس از بهبودی زنان بی‌خانمان را ترسیم نمی‌کنند، اما از آنجایی که به چگونگی مواجهه این زنان با جامعه و فرودستی آن‌ها، مسائل روحی و روانی زنان بی‌خانمان و ریشه‌های خانوادگی بی‌خانمانی را مدنظر قرار می‌دهند، برای تحقیق حاضر دارای اهمیت هستند. پژوهش *سمانه سمیع*، با عنوان «سرگذشت پژوهی زنان کارتن‌خواب بازگشته به جامعه» یک قدم فراتر رفته و به بررسی زنان بی‌خانمان بهبودیافته می‌پردازد. این پژوهش با رویکرد مطالعات فرهنگی، زنان کارتن‌خوابی را که پس از تجربه زندگی بی‌خانمانی و خیابان‌خوابی به زندگی عادی در جامعه بازگشته‌اند، بررسی می‌کند و در پی این است که: زنان کارتن‌خواب بازگشته به جامعه بیشتر از چه گروه‌هایی هستند و چه حوادث و مسائلی را پشت سر گذاشته‌اند؟؛ این زنان چه گذشته‌ای داشته‌اند؟؛ کارتن‌خوابی را چگونه تجربه کرده‌اند؟؛ فرایند بازگشت به جامعه برای آن‌ها چگونه ممکن شده است؟؛ و چالش‌های پیش‌روی این زنان برای عادی‌سازی روابط زندگی خود چیست؟ (سمیع، ۱۳۹۷). این پژوهش از این رو که زندگی پس از بهبودی زنان بی‌خانمان و مسائل آن‌ها در بازگشت

دوباره به جامعه و ساختن زندگی جدید را مورد توجه قرار می‌دهد به پژوهش ما کمک می‌کند.

تنها تحقیقی که به مسئله پژوهش ما نزدیک‌تر است، پژوهش *الیور و چف* با عنوان «شبکه اجتماعی: زنان بی‌خانمان جوان، سرمایه اجتماعی و مداخله‌های بهداشتی^۱ وابستگان بیرون از خانواده هسته‌ای» است. نویسندگان در این پژوهش درمی‌یابند که چگونه زنان جوان کارتن‌خواب در جایی خارج از خانه از میان خانواده بزرگ‌تر، ارایه‌دهندگان خدمات مختلف، همسالان و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به دنبال کسب سرمایه اجتماعی نوینی هستند و به دل‌بستگی‌های خود شکل می‌دهند (Oliver and Cheff, 2014). هرچند که مسئله اصلی این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌های اشاره شده، ارتباطات رسانه‌ای در زنان بی‌خانمان نیست، با این حال *الیور و چف* در بخشی از تحقیق خود به این موضوع اشاره می‌کنند که «یکی از ملاک‌های کسب سرمایه اجتماعی برای زنان بی‌خانمان جوان، اینترنت است. با رشد وبگاه‌های شبکه‌سازی اجتماعی^۲ مانند فیس‌بوک و توییتر، در کنار آن ایمیل، پیام‌های فوری، بلاگ‌ها و وبکم‌ها، فرهنگ جوانان متصل به برق و روشن شده است. در طول دهه‌ها تحقیق در مورد جوانان نشان می‌دهد که جوانان معمولاً از دسترسی به فضاهای عمومی و خصوصی که به بزرگ‌سالان تعلق دارد ممنوع می‌شوند. برای جوانان بی‌خانمان این ممنوعیت حتی بیشتر و همراه با طرد و استیگما احساس می‌شود و در اغلب موارد، محیط آن‌ها را نمی‌پذیرد؛ اما اینترنت، فضایی باز و پذیرا برای جوانان است که غالباً خیلی بیشتر نسبت به مکان‌های سنتی در آن پذیرفته می‌شوند و حضور دارند. در این پژوهش افراد به‌نوعی از اینترنت، از ایمیل تا ارسال پیام برای جستجوی خدمات بهداشتی استفاده کردند» (Oliver and Cheff, 2014: 654).

به‌رغم وجود پژوهش‌های مختلف در مورد زنان بی‌خانمان، اما پژوهشی که به استفاده بی‌خانمان‌ها از رسانه‌ها به‌طور کلی و فضای مجازی و اینستاگرام به‌طور خاص پرداخته باشد یافت نشد. فقدان پرداختن به نقش و کارکرد رسانه‌ها و ارتباطات رسانه‌ای -

1 health implications

2 social networking sites

در سطوح مختلف تولید و مصرف محتوا- در زندگی زنان بی‌خانمان بهبودیافته، ما را بر آن داشت که بر نقش و ابعاد رسانه‌ها در زندگی این گروه تمرکز کنیم. با توجه به آن که ابعاد رسانه‌ای این بحث بسیار گسترده است، محتواهای به اشتراک گذاشته این گروه در اینستاگرام به‌طور خاص بررسی می‌شود.

چارچوب مفهومی

از آنجایی که این پژوهش، پژوهشی اکتشافی، توصیفی و کیفی به شمار می‌رود، طبیعتاً از چارچوب نظری مرسوم برخوردار نخواهد بود. از این روی به جای به کار بردن نظریه‌ها، به مفاهیم و حساسیت‌های نظری مرتبط با مسئله تحقیق اشاره شده است. سه مفهوم زندگی روزمره، نمایش خود و همچنین شبکه‌های اجتماعی از جمله مفاهیمی به شمار می‌روند که مسئله این تحقیق را مفصل‌بندی می‌کنند. «زندگی روزمره» از آن جهت اهمیت دارد که نه تنها مسئله اصلی این تحقیق شیوه نمایش آن به شمار می‌آید بلکه در ادبیات مربوط به این حوزه، مخصوصاً در حوزه مطالعات فرهنگی، عرصه روزمره، عرصه مبارزه و مقاومت است، دو مفهومی که ذات این موضوع را همراهی می‌کنند. مباحث مربوط به دو مفهوم «نمایش خود»، دست‌کاری و شبکه‌های اجتماعی نیز از جمله مفاهیمی به شمار می‌روند که در مطالعه تصویر فرودستان در اینستاگرام و نتایج برآمده از این تحقیق راهگشا بوده‌اند. در ادامه به توضیح مختصری از هر یک از این سه مفهوم خواهیم پرداخت:

زندگی روزمره

زیمل درباره پروبلماتیک «زندگی روزمره»^۱ در مقاله «کلانشهر و حیات ذهنی» از نوعی مقاومت در زندگی روزمره علیه نظام مسلط مدرن (سیستم) سخن می‌گوید (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۷-۳۸). همچنین جان فیسک در فهم فرهنگ عامه می‌گوید زندگی روزمره قلمرویی است که در آن منافع متعارض جوامع سرمایه‌داری دائماً به مبارزه کشیده می‌شود. ... میشل دوسرتو مفاهیمی به کار می‌برد که نشان‌دهنده جنگ و گریز در زندگی روزمره

است. ... فوکو، بین قدرت و روابط استراتژی ارتباط برقرار می‌کند. او از سبکی صحبت می‌کند که در برابر مستعمره شدن زندگی روزمره مقاومت می‌کند. بدین سان، امر روزمره مانعی در برابر آشکال نظام‌مند حکومت و سلطه پدید می‌آورد. فوکو می‌گوید هدف اصلی این مبارزات نه حمله به چنین و چنان نهاد قدرت یا گروه یا نخبگان یا طبقه، بلکه حمله به تکنیک، به شکل قدرت است. ... این قدرت، نوعی از قدرت است که افراد را به سوژه تبدیل می‌کند. دوسرتو نیز برای توضیح سازوکار این مقاومت، از دو اصطلاح «تاکتیک» و «استراتژی» استفاده می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه کردار زندگی روزمره می‌تواند بدون ترک نظم اجتماعی مسلط، از دست آن رها شود. بسیاری از کردارهای زندگی روزمره مانند صحبت کردن، قدم زدن، خرید کردن و آشپزی به این معنا تاکتیک محسوب می‌شوند و در حقیقت شیوه عمل‌اند؛ شیوه‌هایی که نتیجه‌اش غلبه ضعیف^۱ بر اقویاست^۲ (همان، ۱۳۹۶). کاظمی نتیجه می‌گیرد که «تاکتیک کنارآمدن» به نظر می‌رسد مفهوم مهمی برای ورود به بحث مقاومت در زندگی روزمره است. کنارآمدن که دوسرتو در جایی از آن به «هنر همزیستی» یاد می‌کند، در واقع نوعی مقاومت در سنت نظری مطالعات فرهنگی است» (همان، ۱۳۹۶: ۳۸). آن چه که زنان بی‌خانمان بهبودیافته در پست‌های اینستاگرام خود به نمایش و اشتراک می‌گذارند، شکلی از زندگی روزمره آن‌هاست. چه این شکل منطبق بر واقعیت باشد و چه نباشد، به‌عنوان عرصه حضور این گروه، سوژه‌گی آن‌ها و استراتژی‌های مقاومت و به‌عبارتی دیگر تاکتیک کنارآمدن آن‌ها قابل توجه است.

نمایش خود

گافمن در کتاب نمود خود در زندگی روزمره به‌رغم آنکه اشاره‌ای به فضاهای مجازی ندارد، عرصه‌های زندگی واقعی را عرصه نمایش می‌داند و «چگونگی به روی صحنه بردن «خود»^۳ در تعاملات روزمره را تحلیل می‌کند. ... در نمایش خود، انسان‌ها بیش از هر چیز، حتی خودِ نمایش، نگران این‌اند که نمایششان چگونه ادراک می‌شود و این ادراک چه

1. the weaks
2. the strongs
3. self

تبعاتی برای شخصیت آن‌ها در پی دارد. ... «خود» محصول چیزی در زندگی اجتماعی است که گافمن آن را «اجرا»^۱ می‌نامد ... گافمن به‌طور خاص به بررسی شرایطی علاقه‌مند است که اجرای ارائه‌شده با مشکل مواجه می‌شود؛ ... در کنش متقابل به سود فرد است که برداشت ایجادشده از خود در ذهن دیگران را مدیریت کند. فرد انگیزه‌های زیادی برای «دست‌کاری» این برداشت دارد و در موارد زیادی این کار را می‌کند. در تأکید بر اهمیت برداشت‌های ایجادشده، گافمن تا آنجا پیش می‌رود که ادعا می‌کند انسان به‌عنوان مجری^۲ در حقیقت یک «سوداگر اخلاقیات»^۳ است، کسی که از به بازی گرفتن اخلاقیات برای ایجاد برداشت‌های مطلوب از خود ابایی ندارد» (گافمن، ۱۳۹۶: ۱-۳). او در پایان کتاب توضیح می‌دهد که «در این کتاب، خودِ اجراشده به‌عنوان تصویری از خود دیده شد، تصویری معمولاً معتبر که فرد در صحنه و در شخصیت به شکلی کارآمد تلاش می‌کند دیگران را به پذیرش آن متقاعد سازد. ... صحنه اگر به درستی اجرا و نمایش داده شود حضار را بر آن می‌دارد که «خود»ی را به شخصیت اجراشده نسبت دهند، اما این انتساب -این خود- محصولی از صحنه است که حاصل می‌شود و نه علت آن. پس خود، به‌مثابه یک شخصیت اجراشده، موجود زنده‌ای با مکانی خاص نیست که سرنوشت نهایی‌اش متولد شدن، به بلوغ رسیدن و مردن باشد؛ بلکه یک تأثیر نمایشی است که به شکلی مبهم از صحنه اجرا منتج می‌گردد و مسئله مهم، نگرانی عمده، این است که آیا با پذیرش مواجه می‌شود یا با عدم پذیرش» (گافمن، ۱۳۹۶: ۲۸۲). این مفهومی که گافمن به‌طور عام برای تک‌تک افراد در جامعه به کار می‌برد، به میزان زیادی در مورد گروه‌های خاص و گروه‌های طردشده مورد استفاده است. در مورد زنان بی‌خانمان بهبودیافته، نشانه‌هایی وجود دارد (به‌ویژه نشانه‌های ظاهری و مربوط به زیبایی یعنی تغییراتی که در چهره به‌واسطه اعتیاد و همچنین زندگی در خیابان رخ داده است) که امکان نمایش و اجرا به‌عنوان فردی عادی را برای آن‌ها فراهم نمی‌کند. فضای مجازی و صفحه اینستاگرام فرصت مناسبی برای اجرا و به روی صحنه بردن خود فراهم می‌آورد.

1. performance

2. performer

3. merchant of morality

شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های فرودست

از نظر نایار فضای سایبر به فرد اجازه می‌دهد هویتی را برگزیند تا به شکل دیگری ظاهر شود، تقلید کند و به لحاظ جسمی و بدنی فراتر از هویت‌ها برود و با دنیا به‌عنوان فرد دیگری تعامل کند. ... بدن زشت می‌تواند در فضای سایبر خود را زیبا و جذاب بازنمایاند (نایار، ۱۳۹۴: ۵۸). درحالی‌که محیط واقعی (زنده) یا فضای اجتماعی مستلزم ساختارها و سازه‌هایی چون مدارس، خانه‌ها، کارخانه‌ها و بیمارستان‌هایی است که محل روابط اجتماعی را فراهم می‌سازند، فضای الکترونیک از سازه‌های تصویری، صوتی و متنی تشکیل می‌شود که امکان روابط اجتماعی را فراهم می‌آورد و این روابط را واسطه‌گری می‌کند (نایار، ۱۳۹۴: ۶۷). نایار برای بدن سایبرگی دو کارکرد بهبودبخشی^۱ و امتدادپذیری^۲ قائل است (نایار، ۱۳۹۴: ۲۰۴) که می‌تواند برای بی‌خانمان‌ها نیز به کار رود. نایار همچنین به افزایش اعتماد در زنان (نایار، ۱۳۹۴: ۲۸۵)، «پیکربندی مجدد نوع دیگری از «خانه» (نایار، ۱۳۹۴: ۳۱۷) و «همدردی سایبری»^۳ (نایار، ۱۳۹۴: ۳۲۰) اشاره می‌کند و این هر سه قابلیت برای زنان بی‌خانمان بهبودیافته، بسیار کلیدی و کاربردی است: بازگشت مجدد آن‌ها به جامعه در شکل باخانمان و فردی عادی، دنیایی که حتی اگر در آن پذیرفته شوند و طرد نشوند، دنیایی سراسر هراس، ناشناخته و حتی جدید است و فضای مجازی ظرفیت تجربه کردن و حضور را به شکلی امن برای این زنان فراهم می‌آورد؛ فضای مجازی برای بی‌خانمان‌هایی که به دنبال خانه هستند، می‌تواند جایگزین خانه شود، به‌ویژه برای زنان بی‌خانمان که به دنبال مکانی مستقل و مخصوص به‌خود هستند و مراکز نگهداری نیاز آن‌ها به خانه را نمی‌تواند فراهم کند؛ یکی از عمده‌ترین نیازهای بی‌خانمان‌های بهبودیافته همدردی است. نیاز به همدردی در دوره بهبودی نه تنها کم نمی‌شود بلکه بیشتر نیز می‌شود، چون به دنبال دوری از اعتیاد و بی‌خانمانی و برنامه‌ریزی برای زندگی جدید هستند و از طرفی اغلب آن‌ها حمایت چندانی از جانب خانواده خود ندارند، نیاز به همدردی در آن‌ها در فضای مجازی بهتر و بیشتر پاسخ داده می‌شود.

1. restorative
2. extensible
3. cybersolace

در کتاب زندگی دیجیتال در اینستاگرام، نویسنده به خوبی به ابعاد و ظرفیت‌های اینستاگرام که دریچه جدیدی را برای تفسیر انسان باز کرده است، اشاره می‌کند: «ترکیب سه حوزه مطالعاتی جابجایی و تحرک^۱، رسانه‌ای شدن^۲ و نمایشگری^۳ منجر می‌شود که اینستاگرام بتواند رویکردهای اجتماعی را از طریق تجربه‌های تصویری تغییر دهد» (Serafinelli, 2018: 1-8). به نظر می‌رسد مثلی که نویسنده مطرح می‌کند (جابجایی و تحرک، رسانه‌ای شدن و نمایشگری) فضای چندصدایی را برای رسانه‌ها فراهم کرده است که در آن ما حتی می‌توانیم صدای گروه‌های فرودستی مانند زنان بی‌خانمان بهبودیافته را نیز بشنویم. شبکه اینستاگرام از میان دیگر شبکه‌ها و پلتفرم‌های فضای مجازی، به زنان بی‌خانمان بهبودیافته بیشتر امکان ظهور و حضور می‌دهد. اینترنتی که نیازمند رایانه باشد، تلفن همراهی که برنامه‌های شبکه‌ای اجتماعی نداشته باشد، برنامه‌هایی که امکان نمایش و ارائه خود را ندارند (مانند تلگرام و واتساپ در مقابل اینستاگرام) و برنامه‌هایی که تخصصی تر هستند (مانند فیس بوک و توییتر در مقابل اینستاگرام) امکان ایجاد این ظرفیت را ندارند. در واقع اینستاگرام فناوری و درعین حال امکانی است که به میزان نسبتاً ساده و کم‌هزینه‌ای و بدون نیاز به دانش و تخصص اولیه می‌تواند در اختیار این زنان باشد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و روش تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون انجام شده است. محمدپور اشاره می‌کند که «تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. ... این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویابی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت‌یمی یا موضوعی از آن صورت گیرد» (محمدپور، ۱۳۹۷: ۳۸۹). تحلیل تماتیک با شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که یکی از آن‌ها شیوه وُلکات است که در پژوهش حاضر به کار می‌رود «وُلکات

1. mobility
2. mediation
3. visuality

طرح تماتیک ساده‌ای ارائه داده است. وی فرآیند تحلیل داده‌ها را دارای سه مرحله عمومی توصیف، تحلیل و تفسیر می‌داند. در مرحله توصیف، داده‌ها در یک نظم و پیوستار زمانی قرار می‌گیرند. نظم مذکور می‌تواند بر اساس نظر محقق یا فرد مشارکت‌کننده در تحقیق باشد. در مرحله تحلیل، داده‌ها سازمان‌دهی، تنظیم و مقوله‌بندی می‌شوند، وی این مرحله از تحلیل را «بعد کمی تحقیق کیفی» می‌نامد. در مرحله تفسیر نیز تفسیرهای اصلی صورت می‌گیرند. این تفسیرها عمدتاً با رویکرد مقایسه‌ای انجام می‌شوند» (محمدپور، ۱۳۹۷: ۳۹۱).

در این تحقیق منظور از «زنان بی‌خانمان بهبودیافته» کسانی هستند که سال‌ها بی‌خانمان بودند و معمولاً این بی‌خانمانی به شکل زندگی در خیابان و پاتوق‌های کارتن‌خوابی در گوشه و کنار شهر تهران (مانند خاوران، دره فرحزاد، شوش، آزادگان) است و اکنون به واسطه حضور در مراکز حمایتی و گرم‌خانه‌ها، باخانمان محسوب می‌شوند. بی‌خانمانی که این زنان تجربه کرده‌اند، کارتن‌خوابی و خیابان‌خوابی است که معمولاً ناشی از اعتیاد خود و یا سرپرست معتاد است. همچنین فقدان و یا ضعف در روابط خانوادگی و شبکه‌های حمایت اجتماعی، بی‌خانمانی آن‌ها را تشدید کرده است. زنان بی‌خانمان بهبودیافته، معمولاً به اختیار خود به مراکز نگهداری مراجعه و در صورت داشتن اعتیاد آن را ترک کرده و زندگی جدیدی را در این مراکز آغاز می‌کنند و برخی نیز با حمایت‌های خانواده یا افراد خیر و با کوشش خود و از طریق اشتغال توانسته‌اند از این مراکز بیرون آمده و زندگی جدیدی را مثل سایر افراد جامعه آغاز کنند. با این حال، پیشینه بی‌خانمانی و مسائل ناشی از آن، بازگشت این زنان به جامعه و زندگی عادی داشتن را با مشکلات مختلفی مواجه می‌کند. برای دستیابی به داده‌های پژوهش، زنان بی‌خانمانی که در یکی از مراکز گرمخانه‌ای و بازپروری بهبود یافته‌اند و دارای صفحه اینستاگرام هستند از طریق مدیران، مددکاران و پژوهشگران این حوزه شناسایی و لیستی از آن‌ها تهیه شد.^۱ از

۱. از جمله با مراکز سرای مهر موسسه طلوع بی‌نشان‌ها، موسسه زنان خورشید، موسسه پایان کارتن‌خوابی، گرمخانه لویزان، موسسه مهرآفرین و موسسه تولدی دوباره ارتباط گرفته شد. باتوجه به اینکه این افراد تمایلی به شناخته شدن به عنوان بی‌خانمان نداشتند برخی مراکز اطلاعاتی از این افراد ارائه نکردند.

این لیست که شامل ۲۷ نفر است، افراد (به‌عنوان واحد پژوهش) و پست‌های اینستاگرام (به‌عنوان واحد مشاهده) به‌این ترتیب انتخاب شد: اگر دنبال‌کنندگان لایلا (k1۲,۲) که فیک (جعلی) است را کنار بگذاریم میانگین دنبال‌کنندگان، عدد ۵۶۶ است. بیشترین دنبال‌کننده، ۳۴۵۵ و کمترین دنبال‌کننده، ۱۵ است. از نظر تعداد پست‌ها نیز به‌طور مجموع ۱۵۴۴ پست وجود دارد که میانگین آن ۵۷ پست، بیشترین، ۴۱۳ و کمترین، صفر است^۱. بر این اساس افراد را بر مبنای تعداد دنبال‌کنندگان و تعداد پست‌ها به سه گروه پرترفدار، طرفدار متوسط و کم‌ترفدار (بر اساس دنبال‌کنندگان) و سه گروه زیاد، متوسط و کم (بر اساس تعداد پست) تقسیم‌بندی کردیم که در جدول زیر شرح آن قابل مشاهده است:

جدول ۱. تقسیم‌بندی کاربران بر اساس تعداد دنبال‌کنندگان و تعداد پست‌ها

دنبال‌کنندگان	نسبت با میانگین	فراوانی	تعداد پست	نسبت با میانگین	فراوانی
پرترفداران	۵۶۶ به بالا	۶	زیاد	۵۷ به بالا	۸
طرفداران متوسط	۵۶۶ تا ۱۰۰	۱۶	متوسط	۱۰-۵۷	۱۳
کم‌ترفدار	کمتر از ۱۰۰	۵	کم	کمتر از ۱۰	۶
جمع		۲۷	جمع		۲۷

سپس افراد گروه پرترفدار و زیاد به‌عنوان کاربر فعال، افراد گروه طرفداران متوسط و متوسط به‌عنوان کاربر نیمه‌فعال و افراد گروه کم‌ترفدار و کم به‌عنوان کاربر غیرفعال طبقه‌بندی شدند. در گروه کاربر فعال ۴ نفر شناسایی شد که صفحه اینستاگرام همه آن‌ها بررسی شد، در گروه کاربر نیمه‌فعال، ۱۲ نفر شناسایی شدند که صفحه ۶ نفر از آن‌ها انتخاب شد. در اینجا با دو گروه مواجه شدیم: افرادی که بیشتر از خودشان عکس می‌گذارند و افرادی که بیشتر متن می‌گذارند که از گروه اول ۴ نفر و از گروه دوم ۲ نفر انتخاب شدند. در گروه کاربر غیرفعال، ۳ نفر شناسایی شدند. یک نفر آن‌ها هیچ پستی در صفحه خود نداشت و دو نفر دیگر نیز جمعاً ۱۵ پست در صفحه خود داشتند. با توجه به اینکه این گروه غیرفعال بودند، امکان ارتباط با این دو نفر میسر نشد و به‌این ترتیب صفحه‌های این گروه بررسی نشد. نحوه انتخاب پست‌ها نیز به این طریق صورت

۱. این اعداد مربوط به تاریخ بررسی این صفحات یعنی ۲۷ و ۲۹ آذر ۹۸ است.

گرفت: ۱۰^۱ پست اول و ۱۰ پست آخر کاربران فعال و ۵ پست اول و ۵ پست آخر کاربران نیمه‌فعال^۲ که در جدول زیر شرح آن مشاهده می‌شود:

جدول ۲. معرفی نمونه‌های انتخاب شده

گروه کاربران	فراوانی	افراد گروه	نفرات انتخاب‌شده	نحوه انتخاب	جمع
فعال	۴	لادن، لیلا، روژین، مرجان	لادن، لیلا، روژین، مرجان	۱۰ پست اول و ۱۰ پست آخر هر کدام	۸۰ پست
نیمه‌فعال	۱۲	سهیلا، اعظم، ساحل، آتنا، دنیا، سحر، آوا، بهناز، مرضیه، تنها، آسانا، زهرا	سهیلا، ساحل، بهناز، مرضیه، تنها، زهرا	۵ پست اول و ۵ پست آخر هر کدام	۶۰ پست
غیرفعال	۳	پارسا، سمیه، الهه	-	-	۰
جمع			صفحه اینستاگرام ۱۰ نفر		۱۴۰ پست

به این ترتیب ۱۴۰ پست اینستاگرام بررسی و تحلیل شد. پست‌ها شامل عکس، ویدئو و عکس‌نوشته هستند. همچنین، برخی پست‌ها متنی به‌عنوان شرح نیز دارند. پست‌ها و شرح پست مورد بررسی قرار گرفت، اما هشتک‌ها و کامنت‌ها در بررسی لحاظ نشدند، چرا که خصلت این پست‌ها به گونه‌ای بود که در ترکیب عکس و کپشن با یکدیگر معنا و روایت پیدا می‌کرد. به‌نوعی که شرح عکس‌ها راوی، توضیح‌دهنده و تکمیل‌کننده تصاویر به شمار می‌روند و توجه به آن‌ها در این مطالعه ضروری به نظر می‌رسد.

بر اساس شیوه ولکات ابتدا توصیف دقیقی با تمام جزئیات از تصاویر به اشتراک گذاشته شده در پست‌ها و شرح پست‌ها صورت گرفت. سپس به منظور الگویابی، مقوله‌های پر تکرار برای هر کاربر مشخص و الگوی موضوعی برای آن تهیه شد و دریافتیم

۱. این شیوه‌ی نمونه‌گیری که دو سر طیف زمانی صفحات مربوط (به معنای زمان آغاز به فعالیت و وضعیت اکنون) را مد نظر دارد به منظور نظم بخشیدن به انتخاب پست‌ها و مطالعه تغییرات صورت گرفته در طول زمان مورد نظر، انتخاب شده است.
 ۲. منظور از پست یازدهم در مورد کاربران فعال و پست ششم در مورد کاربران نیمه‌فعال، آخرین پستی است که در تاریخ بررسی به اشتراک گذاشته‌اند و شماره‌های بعدی آن به ترتیب پست‌های قبلی پست آخر هستند.

که مفاهیم به کاررفته در سه دسته ویژگی‌های ظاهری، روابط اجتماعی و حالات روحی و روانی قرار می‌گیرند که البته میزان آن برای هر کاربر متفاوت است. بعدازاین دسته‌بندی دوباره موارد پرتکرار و برجسته را در هر دسته مشخص کردیم تا بتوانیم به مضامین اصلی برسیم. به‌این ترتیب، پست‌های هر کاربر جداگانه تحلیل شد. در بخش تفسیر نیز همه کاربران و مضامین به کاررفته در پست‌های آن‌ها در کنار هم بررسی شد.

یافته‌ها

در این بخش یافته‌های حاصل از بررسی ۱۴۰ پست اینستاگرام ۱۰ زن بی‌خانمان بهبودیافته ارائه می‌شود. برای هرکدام از این کاربران ابتدا معرفی کوتاهی بر اساس اطلاعات کلی صفحه اینستاگرام آن‌ها و شناخت محقق ارائه شده است. با توجه به زیاد بودن تعداد پست‌ها و طولانی شدن مقاله، توصیف و تحلیل پست‌ها با هم بیان شد. در پایان این بخش، مضامین مرکزی و مقوله‌های آن برای هر کاربر در قالب یک جدول خلاصه شده است. تفسیر پست‌ها در بخش نتیجه‌گیری ارائه شده است.

لادن

لادن زنی حدود ۶۵ سال است که سال‌های زیادی را در خیابان‌های تهران زندگی کرده است. او به کمک یکی از مراکز حمایتی زنان بی‌خانمان، اعتیادش را ترک و پس از دو سال زندگی در این مرکز، زندگی مستقلی را شروع کرده است. پس از بهبودی در چند فیلم سینمایی و تئاتر بازی‌های موفق داشته و مصاحبه‌های زیادی در رسانه‌های رسمی با او شده است. در صفحه اینستاگرام لادن نام و نام خانوادگی‌اش نوشته شده است. پست‌های لادن بین ۴۰۰ تا ۱۲۰۰ لایک و بیننده دارد و افراد مختلفی از جمله چهره‌های مشهور مثل نوید محمدزاده پست‌هایش را لایک می‌کنند و یا کامنت می‌گذارند.

در پست‌های بررسی شده لادن، به‌جز در سه پست (پست ۱۶، ۱۹ و ۲۰) در مابقی آن‌ها خودش در تصویر حضور دارد. بیشتر از همه تصاویری از خودش در کنار آقای

کرمی^۱ است (پست ۱، ۲، ۳، ۹، ۱۱ و ۱۷). پس از آقای کرمی، بیشتر عکس‌های لادن در کنار نوید محمدزاده است (پست ۴، ۸، ۱۰ و ۱۸) و پست ۱۹ نیز به عکس‌ها و فیلم‌های نوید محمدزاده اختصاص دارد. عکس‌های دیگر لادن با شخصیت‌های مطرح سینما و تلویزیون از جمله هومن سیدی، فرهاد اصلانی، جواد عزتی و احسان علیخانی است. یک عکس لادن نیز در کنار پسر نوجوانی است (پست ۱۵) که احتمالاً از بستگان نزدیکش است. مجموعه این موارد بیانگر روابط اجتماعی در پست‌های لادن است که تعداد زیاد دوستان و چهره‌های مشهور در کنار خود را نشان می‌دهد که با آن‌ها روابط صمیمانه دارد. به‌طور نمونه، پست سیزدهم، تصویری نزدیک از خودش و هومن سیدی است که هر دو ایستاده در فضای بسته شبیه خانه هستند. لادن در حال نگاه کردن به هومن سیدی و دستش بر شانه او است. شال قرمز سر کرده و موهای قهوه‌ای با خالی سفیدرنگ معلوم است. صورتش آرایش دارد. در متن پست نوشته: «زمینی شدن بر خانواده و دوستداران مبارک همیشه خندان و سلامت و برقرار باشی» به همراه چندین استیکر گل و قلب صورتی و قلب قرمز و بوس. از لحاظ ویژگی‌های ظاهری می‌توان گفت که در بیشتر پست‌ها، لادن ظاهری آراسته دارد و با لباس‌هایی با رنگ‌های شاد و جذاب (عمدتاً قرمز) و موها و صورت دارای آرایش و ناخن‌های لاک‌زده ظاهر شده است. در عین حال شهرت خود را نیز به نمایش می‌گذارد. مثلاً در پست پنجم، عکسی نزدیک، حرفه‌ای، تمام‌رخ و تکی از خودش است، با نگاهی که به دوربین نیست. با لباس و ظاهر عکس قبلی است. در این عکس لبخند ندارد و تاحدی در فکر است. در شرح عکس نوشته: «بهترین روز زندگیم. از خدا می‌خوام برای همه هم‌دردهام معجزه‌هاشو رو کنه». در مورد حالات روحی و روانی، شاد بودن و شادی کردن (پست ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۸)، تبریک تولد گفتن (پست ۱۳، ۱۷)، از عشق و دوست داشتن حرف زدن (پست ۱، ۱۲، ۱۳، ۱۹) از بیشترین مقوله‌هایی است که در پست‌های لادن وجود دارد. موارد دیگری مانند درخواست از خدا برای کمک و معجزه و شکرگذاری (پست ۱، ۵، ۱۷، ۲۰)، ترس از دست دادن (پست ۱)، تجربه

۱. آقای کرمی درمانگر موسسه طلوع بی‌نشان‌ها است.

خوب داشتن در یک جمع (پست ۱)، حس همدلی کردن با همدردهایش (پست ۵) و نیاز به درک شدن (پست ۱۵) قابل توجه هستند.

لیلا

لیلا زنی حدوداً ۳۵ ساله است از اهالی کُرد غرب ایران. سال‌ها کارتن‌خوابی و اعتیاد داشته و پس از بهبودی در یکی از مراکز حمایتی زنان بی‌خانمان، مجدداً ازدواج و زندگی مستقلی را شروع کرده و در یکی از این مراکز شاغل است. لیلا ۱۲,۲ ک دنبال‌کننده دارد که با توجه به تعداد لایک‌های پست‌هایش که حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ است این تعداد دنبال‌کننده فیک (جعلی و غیرحقیقی) است. در معرفی صفحه‌اش نام و نام‌خانوادگی آمده به همراه شعر «من آن گلبرگ مغروم که می‌میرم ز بی‌آبی ولی با خاری و خفت پی شب‌نمی‌گردم».

لیلا با اینکه طرفداران زیادی دارد بیشتر مطالبی که در صفحه خود می‌گذارد کپی‌شده از کانال‌ها و صفحات مجازی است و نه جملات و تصاویری از خود، اما تقریباً هر روز یک پست سلام و آرزوی خیر به اشتراک می‌گذارد. به طور مثال پست دهم، تصویری شاد به رنگ سفید و صورتی به همراه یک شاخه گل است با این متن: «سلام صبح زیباتون بخیر/ به احترام نام قشنگ دوست/ آنان که زما دور ولی در دل و جانند/ بسیار گرامی‌تر از آنند که دانند». در مورد ویژگی‌های ظاهری یافته خاصی از لیلا نداریم هرچند که تعداد پست‌های زیاد او، نشان‌دهنده حضورش است. در روابط اجتماعی، لیلا بیشتر به خصایل انسانی می‌پردازد اینکه آدم‌ها چگونه‌اند، خوبی و بدی، آداب اجتماعی، انسانیت چیست و به‌طور کلی توصیه‌هایی برای روابط اجتماعی بهتر را مطرح می‌کند مثل توصیه به انسانیت (پست ۲)، ارزش دوست و دوستی (پست ۱۰ و ۱۹)، مهربانی با حیوانات (پست ۱۱)، آموزش آداب اجتماعی (پست ۱۵)، کامل نبودن آدم‌ها و وجود خوبی و بدی در درون همه (پست ۱۶ و ۱۷)، به قضاوت‌های مردم توجه نکردن (پست ۲۰). مثلاً در پست پانزدهم، سه تا عکس برگرفته از یک کانال یا پیج اینستاگرامی به اشتراک می‌گذارد با این متن: «۱- با صدای خیلی بلند حرف می‌زنه ۲- تو تا کسی با تلفن حرف می‌زنه ۳- اینستاشو با

صدای بلند چک می‌کنه جوری که تو جمع همه می‌شوند ۴- و ... ۲۰- همش راجع به درآمد بالاش و محل زندگیش (داشته‌هاش) حرف می‌زنه؛ و تصویر آخر عکس صورت یک دختر است که پایین آن نوشته: «یه آدم بیکار چنین رفتاری داره». از نظر حالات روحی و روانی پست‌های لیلا بیشتر به عشق به خدا و شکرگذاری (پست ۱، ۶، ۷، ۱۴) و واگویی‌های درونی مانند شکایت از سرنوشت (پست ۳)، شکایت از رفتار آدم‌ها و حقه‌بازی‌ها (پست ۸)، درماندگی به خاطر اشتباه کردن (پست ۴)، حسرت تلف شدن زندگی (پست ۵)، درس گرفتن از شکست (پست ۱۲) اشاره دارد. پست اول لیلا، عکس‌نوشته‌ای است با تصویر یک مرد با دستان باز در بالای کوه که آسمان از پشت سرش معلوم است و روی عکس نوشته: «دلخوش عشق شما نیستم ای اهل زمین/بخدا معشوقه من بالایی است».

مرجان

مرجان بر اساس تصویرهایش در صفحه اینستاگرام، زنی ۳۰، ۳۵ ساله به نظر می‌رسد. او در یکی از مراکز حمایتی زنان بی‌خانمان زندگی می‌کند و در همان‌جا نیز مشغول به کار است. در معرفی صفحه اینستاگرام مرجان فقط نام کوچک او نوشته شده با این جمله «به یاد آرزوهایم سکوت می‌کنم بالاتر از فریاد» به همراه استیکر قلب شکسته و صورت گریان. پست‌های مرجان عمدتاً کپی شده از کانال‌ها و صفحات مجازی است. او در پست‌های اول تصاویری از خودش و بستگانش ارائه می‌کند اما در پست‌های آخر بیشتر موزیک‌ویدئوهای عاشقانه و عکس‌نوشته به اشتراک می‌گذارد. حالات روحی و روانی در پست‌های مرجان بسیار برجسته است و پست‌های به اشتراک گذاشته او به شکایت از رفتار آدم‌ها (پست ۲، ۳، ۹، ۱۰، ۱۵)، عشق (پست ۱۱، ۱۳، ۱۴)، شکایت از روزگار و سرنوشت (پست ۱۲، ۱۶)، دردها و رنج‌هایی مانند بریدن از دنیا، تنهایی، دلگیری و غریبی (پست ۵، ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۰) اشاره دارد. مثلاً پست دهم، تصویری سیاه و تار و نزدیک از صورت یک زن است با چشم‌های بسته و رو به پایین و چند تار مو روی صورتش ریخته، با این متن: «وقتی دلت از همه بشکنه تازه یاد می‌گیری چه جوری باید زندگی کنی ...!»؛ و یا پست

بیستم، تصویری از چشمان یک دختر در حال اشک ریختن است، با آهنگ «روزگار بی وفا» از مهرداد که متن آهنگ روی تصویر نوشته می‌شود: «آخ دلم چقدر غریبه روزگار چه نانجیبه چشاشو بسته و انگار نمی‌خواد چیزی ببینه...». در شرح پست هم بخشی از متن آهنگ تکرار شده: «آخ دلم چقدر غریبه». در زمینه روابط اجتماعی، مرجان تصاویری از خانواده و بستگان نزدیکش را به اشتراک می‌گذارد از جمله دخترش (پست ۴، ۷)، خواهرش (پست ۴)، برادرزاده‌اش (پست ۶) و نوزادی که اشاره‌ای به نسبتش نمی‌کند و احتمالاً فرزند یکی از دوستانش است (پست ۱). در برخی تصاویر خودش نیز در کنار بستگانش حضور دارد (پست ۱، ۷) و در برخی پست‌ها خودش در عکس نیست و در شرح پست نسبت آن‌ها با خودش گفته شده (پست ۴، ۶). مرجان تنها در دو پست تصویری از خودش به اشتراک می‌گذارد (پست ۱، ۷) که در هر دو پست ظاهری آراسته با موهای مرتب مشکلی و کمی آرایش دارد و در تصویر پست ۷ عکس ادیت شده است. البته تصاویر پست‌های ۴، ۶ هم که خودش در آن حضور ندارد نیز ادیت شده‌اند و چهره‌ها تاحدی تغییر کرده است.

روژین

روژین دختری حدوداً ۲۵ ساله اهل کردستان است. در تهران بی‌خانمان شده و در چند مرکز حمایتی زنان بی‌خانمان زندگی و پس از ازدواج زندگی مستقلی را شروع کرده است. روژین در معرفی صفحه اینستاگرام نام و نام خانوادگی‌اش را نوشته، همچنین یک جمله انگلیسی «Why is each new task a trifle to do? Because I am living a life full of you»، هشتگ استیکر قلب قرمز و Kurd و جمله «کوردستانم هر ولایتیکه و نایب به چوار».

روژین در عکس‌هایی که از خودش می‌گذارد بیشتر آرایش دارد و با لباس‌های شیک است (پست ۱، ۳، ۷، ۱۱، ۱۵) و می‌توان رضایت داشتن از چهره را درک کرد. لاک، خط چشم و رژلب عناصر مهمی در آرایش روژین هستند (پست ۱، ۲، ۷). معمولاً آهنگ‌های شاد و هیجانی همراه تصاویر است. روژین خوشگذرانی‌ها و وضع زندگی

آدم‌های طبقه متوسط بالا (شامل سفر کردن و مهمانی رفتن) را به اشتراک می‌گذارد (پست ۱۱، ۱۵، ۱۴). به‌عنوان نمونه در پست یازدهم، دو فیلم از خودش در یک پارتنی شبانه به اشتراک گذاشته است. صدای آهنگ‌های جیغ و ترسناک می‌آید. زن و مرد در حال رقصیدن هستند و خودش با یک مرد است. لباس شب مشکی پوشیده. فیلم دیگر تاریک است و بازی دو سگ باهم را نشان می‌دهد. در شرح پست نوشته: «یک شبانه». یا تصویر دوم پست هفتم، عکسی خیلی نزدیک از صورتش است. لب‌هایش را غنچه کرده، بدون روسری و با موهای مشکی بسته شده است. در شرح پست بخشی از شعر حسین منزوی را نوشته: «چگونه سیر شود چشمم از تماشایت؟ که جاودانه‌ترین لحظه‌ی تماشایی...». از نظر روابط اجتماعی به دوستانی صمیمی و اهل سفر و هیجان و تجربه‌های جدید اشاره می‌کند (پست ۱۴، ۱۵). در پست دیگری به حضور در یک مهمانی شبانه با همسر و دوستانش اشاره می‌کند (پست ۱۱) که صمیمیت و هیجان در آن دیده می‌شود. در یک پست هم چندین عکس از خودش و همسرش در یک سفر به اشتراک می‌گذارد (پست ۱۵). در یک پست نیز به محل کارش اشاره می‌کند اما اشاره‌ای به همکارانش نمی‌کند (پست ۴). در مورد حالات روحی و روانی می‌توان عشق و حال خوش و لذت بردن از زندگی (پست ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹) را دید و همچنین انتقاد و اعتراض‌های اجتماعی مانند کشتار کردهای ترکیه (پست ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹)، ایدز (پست ۲۰)، انتقاد از جامعه (پست ۱۲) و جنبش سبز و رأی ندادن (پست ۱۳). هرچند که پست‌های انتقاد اجتماعی از خودش نیست و او صرفاً بازنشر می‌دهد. مثلاً پست هجدهم، پوستری است با تصویر یک زن سرباز گُرد با لباس سبز و تفنگی در دست که پشت سرش دایره‌ای زرد رنگ قرار دارد و روی عکس به خط کردی نوشته شده «روژئاوا». در شرح پست به زبان کردی نوشته: «چاک ده زانم دیسان سه ر بلیند ده بیم».

بهناز

بهناز دختری ۱۸ ساله است که به واسطه اعتیاد پدر و مادر بی خانمان شده و مدتی را در مراکز حمایتی زنان بی خانمان سپری کرده است. در حال حاضر با پدرش زندگی می کند. او در معرفی صفحه اینستاگرامش اسم کوچک خود را نوشته.

از مجموع ۱۰ پست بررسی شده صفحه بهناز، او ۶ عکس از خودش به اشتراک گذاشته (پست ۱، ۲، ۴، ۶، ۷، ۸) که به استثنای یک پست (پست ۴) مابقی عکس ها سلفی است. ویژگی های ظاهری در پست های بهناز بسیار برجسته و زیبایی و آراستگی کاملاً مشهود است، هرچند که معمولاً آرایش هم دارد. ژست ها تا حدی غیر معمول است (پست ۲، ۳، ۶). بهناز با عکس و شرح پست ها «خواستار دیده شدن» را به نمایش می گذارد حتی در پست ۱ صراحتاً بیان می کند که می خواهد دیده شود. از نظر پوشش ظاهری نیز لباس های مرتب و به روز می پوشد و عمدتاً رنگ های تیره استفاده می کند. مثلاً پست ششم، تصویری سیاه و سفید و نزدیک از خودش است. نگاهش رو به دوربین و لب ها به صورت غنچه و بوس فرستادن است. موهایش خیلی معلوم نیست و تا پیشانی دیده می شود. مانتو و روسری مشکی پوشیده. در شرح پست متن آهنگی از تیلو را نوشته: «جونم همه چیزم بزار زندگیمو به پات بریزم بزار شاعرشم، شعرتو بنویسم بدون من عاشق کسی غیر خودت نیستم ... آنقد تو خوبی میره بالا توقع هروقت که نبودی من فقط زدم غر هرکجا زدم تو خاکی زدی یه تلنگر». از نظر حالات روحی و روانی می توانیم مقوله عشق را ببینیم که بهناز یا با تصویری از خود (پست ۶، ۷) یا با موزیک ویدئوهای عاشقانه و معمولاً انگلیسی زبان (پست ۲، ۳، ۵، ۱۰) آن را ابراز می کند. بهناز حال بد داشتن را تقریباً بدون هیچ پنهان کردنی به نمایش می گذارد مثل تنهایی (پست ۱۰)، حسادت (پست ۱)، بی خوابی (پست ۸)، دلتنگی احتمالاً عشقی (پست ۹) و حتی در یک پست به صورت مستقیم حال بد داشتن را بیان می کند (پست ۷). پست هفتم، عکس یک کیک تولد با دو شمع روشن ۱۸ است و پشت تصویر به صورت تار عکس خودش معلوم است. در شرح پست متن آهنگ «بیا» از بیدل را نوشته: «داره آروم آروم منو میکشه نبود تو...میگی برو

زندگی کن بدون من بگو چطور!!/... بیا تا که این روزای سخت نحس تموم شه/...؛ و به‌عنوان پی‌نوشت نوشته: «پن: اصلاً نمی‌خواستم اینو پست کنم ولی انقد حالم بد بود گفتم شاید حالمو خوب کنه، عکسم مال روز تولدمه». روابط اجتماعی در پست‌های بهناز بسیار کمرنگ است. او به دوستان، آشنایان و بستگانش خود اشاره نمی‌کند حتی در پستی که عکس کیک تولدش را گذاشته (پست ۷) نمی‌گوید که این تولد با چه کسانی بوده است. فقط در یکی از پست‌ها به‌صورت غیرمستقیم به کسی که از او عکس گرفته اشاره می‌کند (پست ۴) فردی که خنده و حال خوب جادویی به او می‌دهد.

ساحل

ساحل دختری حدوداً ۲۰ ساله است که مادرش را از دست داده. بیشتر از سه سال است که در یک مرکز حمایتی زنان بی‌خانمان زندگی می‌کند و همچنان ساکن آنجاست. او در صفحه اینستاگرام نام و نام‌خانوادگی‌اش را نوشته است.

ویژگی‌های ظاهری در پست‌های اینستاگرام ساحل را می‌توان در دو عکسی که از خودش به اشتراک گذاشته دید (پست ۱، ۷). هر دو عکس سلفی و در آن‌ها ساحل آرایش کرده است و سر و وضع مرتبی دارد. رنگ قرمز در پست ۷ هم در لباس و هم در صورت ساحل خودنمایی می‌کند. او یک کاپشن قرمز رنگ پوشیده که یقه آن تا بالا بسته است. بدون روسری است و موهای مشکی دارد. صورتش آرایش کرده و به‌ویژه لب‌ها بسیار قرمز است. در شرح پست نوشته: «دلم برای ی نفر خیلی تنگ شده خیلی» به همراه دو استیکر قلب قرمز. از نظر روابط اجتماعی ساحل بیشتر از همه به مقوله خانواده و بستگان نزدیکش اشاره می‌کند (پست ۳، ۴، ۸). یکی اشاره به خواهرش است که او را گم کرده است (پست ۳) و دیگری مادرش که فوت کرده و بزرگترین درد زندگیش را رقم زده است (پست ۴). در پست چهارم، تصویر پس‌زمینه به‌صورت خیلی کمرنگ و خاکستری بچه‌ای را نشان می‌دهد که در گوشه‌ای نشسته و زانوهایش را بغل کرده و در گوشه بالای تصویر یک چشم به همراه یک قطره اشک است و بزرگ نوشته شده «مادرم» و با این متن: «روزی که خدا فریادهايم را نشنیده گرفت و تو را از من ربود بزرگ‌ترین درد دنیا را به

قلم نشانه رفت». در شرح پست نوشته: «روهت شاد مادرم» به همراه دو استیکر خسته. در پست دیگری نیز می‌گوید که دختر باخانواده و با اصالت چگونه است (پست ۸). ساحل در یک پست نیز تصویری از خودش به همراه دوستش به اشتراک می‌گذارد (پست ۱) و در شرح پست حس خوبی این دوستی را بیان می‌کند. در مورد حالات روحی و روانی پست‌هایی دیده می‌شود که بیانگر وابستگی به موبایل از سر کسی را نداشتن و موبایل به‌عنوان همدم است (پست ۶، ۹، ۱۰). مثلاً پست ششم، عکس نوشته‌ای است با تصویر یک گربه سفید که از روی یک بالش آویزان شده و ناراحت است با این متن: «کاش یکی به من می‌فهموند هیچ خری قرار نیست بهم پیام بده هی این گوشو دودقه یه بار چک نکنم!». دلتنگی برای بستگان نزدیک که یا فوت شده‌اند و یا آن‌ها را گم کرده (پست ۲، ۳، ۴، ۷)، حس غم به‌طور کلی بدون اشاره به دلیل آن (پست ۵) و اعتقادات مذهبی و درد دل کردن با خدا (پست ۲، ۳، ۴) از دیگر مفاهیم موجود در پست‌های ساحل است.

سهیلا

سهیلا زنی حدوداً ۳۵ ساله است که حدود شش ماه است در یک مرکز نگهداری زنان بی‌خانمان زندگی می‌کند. در صفحه معرفی اینستاگرامش سه حرف اول اسمش را نوشته. سهیلا در سه پست تصویری از خودش به اشتراک می‌گذارد (پست ۶، ۷، ۸) و در هر سه پست ظاهری آراسته دارد با لباس‌های رنگی و شاد. زیورآلاتش نیز مشخص است (پست ۷، ۸). پست هشتم، تصویری تمام‌قد از خودش است که به یک دیوار آجری تکیه داده و یک پایش خم شده بر دیوار است. مانتوی صورتی، شلوار جین آبی و شال مشکی پوشیده. آراسته است. انگشتر بزرگی در دستش است و ساعت و دستبند دارد. نگاهش به دوربین است. در مورد روابط اجتماعی در پست‌های سهیلا حضور با دوستان و خانواده را می‌توان مشاهده کرد. سهیلا در یک پست به پدرش که او را ازدست‌داده اشاره می‌کند (پست ۲) و سخت بودن بی‌پدری و عادت نکردن به آن. پست دوم پس‌زمینه‌ای ساده با این متن است: تو نمی‌دانی که چه سخت می‌گذرد این روزها که نیستی ... هر صبح به انتظار روزی می‌نشینم که به نبودن عادت کنم. چه کنم که عادت‌م نشد و نمی‌شود و نخواهد شد.

پدر جان روح شاد ...! (با سائز بزرگ) برایت لالایی یاسین و الرحمن می‌خوانم تا آرام بخوابی ... در یک پست نیز تصویری از خود با دو خانم دیگر که به نظر می‌رسد دوستش باشند به اشتراک می‌گذارد (پست ۷) و استیکرهای بوس در شرح پست بیانگر علاقه به این افراد است. از نظر حالات روحی و روانی، راز و نیاز با خدا و چشم‌انتظار لطف خدا بودن در بیشتر پست‌های سهیلا وجود دارد (پست ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۰)، همچنین اعتقادات مذهبی (پست ۲)، دلتنگی برای پدرش که فوت کرده (پست ۲)، عشق (پست ۱) و اشتباه کردن در گذشته (پست ۱) در پست‌های سهیلا دیده می‌شود. از نمونه پست‌هایی که به مناجات با خدا اشاره دارد پس زمینه تصویری سیاه و سبز در یک جنگل که در قسمت روشن آن بزرگ نوشته خدایا ... و متن تصویر این است: لبخندهایم حاصل امیدم به بزرگی توست نا امیدم نکن!.

زهرا

زهرا که هیچ عکسی از خود در صفحه اینستاگرامش نگذاشته، بر مبنای عکس پروفایلش حدوداً ۳۵ ساله به نظر می‌رسد. در معرفی صفحه نام و نام‌خانوادگی‌اش را نوشته است. بیشتر پست‌های صفحه اینستاگرام زهرا عکس‌نوشته‌هایی برگرفته از کانال‌های تلگرامی و صفحه‌های اینستاگرام است. او هیچ تصویری از خود به اشتراک نمی‌گذارد. از نظر روابط اجتماعی در پست‌های زهرا می‌توان خانواده و دوستی خاص را مشاهده کرد. زهرا در دو پست به خانواده و بستگان نزدیک اشاره می‌کند یکی خواهر (پست ۳) و دیگری خواهرزاده (پست ۸) که البته تصویری از شخص خاصی ارائه نمی‌دهد بلکه با متن و تصویر کارتونی ارزش و نعمت آن‌ها را بیان می‌کند. مثلاً پست سوم، پس‌زمینه‌ای ساده است با این متن: «خواهر داشتن یک نعمته مثلاً بشینی ساعت‌ها باهاش حرف بزنی، درد دل کنی، به حرفات بدون هیچ اعتراضی گوش کنه و هی آرومت کنه خواهر یعنی؛ یک رفیق خوب، یک همدم و یک عشق تا ابد ثابت» که عبارت «خواهر داشتن یک نعمته» با اندازه بزرگ نوشته شده است. زهرا همچنین در دو پست به «مخاطب خاص» اشاره می‌کند (پست ۶، ۱۰) که هرچند او را معرفی نمی‌کند اما معلوم است که نقش دوست و معلم

برایش دارد و زهرا با او حرف می‌زند. در مورد حالات روحی و روانی، راز و نیاز با خدا و کمک خواستن از او (پست ۱، ۲)، درست رفتار کردن (پست ۲، ۹)، حال خوب داشتن و غصه نخوردن (پست ۶، ۷، ۱۰) را مطرح کرده است. پست اول زهرا، عکس‌نوشته‌ای است با پس‌زمینه‌ای تقریباً تار از دختری پشت به تصویر که موهایش رها شده و دستش روی سرش است و به چشم‌انداز جنگل نگاه می‌کند با این متن: «خدایا خیلی‌ها نشسته‌اند پای تماشای سرنوشتم ... جوری دستانم را بگیر و بلندم کن که لحظه بلند شدنم تا همیشه در خاطرشان بماند ...» که عبارت «خدایا خیلی‌ها» با اندازه بزرگ نوشته شده. شرح پست، سه استیکر صورت قلب است.

تنها

عکس پروفایل تنها نشان می‌دهد که حدوداً ۳۰ ساله است. در صفحه معرفی فقط اسم کوچک خود را نوشته و با این عبارت «خدایا جونم تو درمان تمام دردهامی». در پست‌های اینستاگرام تنها تصویری از خودش دیده نمی‌شود. از نظر روابط اجتماعی به خانواده و پدرش که از دنیا رفته و دل‌تنگ اوست اشاره می‌کند (پست ۷). پست هفتم، طرحی سفید و سیاه است که در پس‌زمینه آن بزرگ نوشته شده «پدرم» با این متن: «دست بگذار به قلب نگرانم بابا/تا که آرام شود روح و روانم بابا/چند وقت است صدایم نزدی، دختر من/چند وقت است نگفتم به تو جانم بابا». در شرح پست نوشته: «باز پنجشنبه شد روز دل‌تنگی رفتگان و پدران آسمانی روح شاد و یادت گرامی پدر». همچنین از دوستی و مهربانی کردن می‌گوید (پست ۶) ولی به شخص خاصی به‌عنوان دوست اشاره نمی‌کند. در مورد حالات روحی و روانی می‌توان مواردی مانند راز و نیاز با خدا (پست ۱، ۵، ۸)، شکایت از روزگار و خسته شدن از دنیا و سردرگمی (پست ۲، ۳، ۴، ۹)، شکایت از آدم‌ها (پست ۸) و حسرت زندگی گذشته (پست ۱۰) را مشاهده کرد. مثلاً پست اول، طرحی کارتونی از یک دختر بچه درون یک جنگل است که دستش را به درختی گرفته و جنگل تقریباً تاریک است و در زمین آن نقاطی روشن برق می‌زند و دختر به چشم‌انداز خانه‌ها نگاه می‌کند، با این متن: «خدایا جونم قسم به لحظه‌ای که دلم را می‌شکنند و جز تو

مرهمی نیست.../قسم به لحظه‌ای که تنه‌ایم می‌گذارند و جز تو همراهی نیست/قسم به لحظه‌ای که دوستم ندارند و جز تو عاشقی نیست من دوست دارم (به همراه استیکر قلب)» که عبارت «خدا جونم» با اندازه بزرگ نوشته شده است؛ و یا پست سوم، نقاشی مشکی خاکستری از یک چشم است که دو قطره اشک از آن بیرون می‌آید با این متن: «نمردم، ولی زندگی هم نکردم فقط نفس کشیدم، با درد روزگار».

مرضیه

مرضیه بر اساس عکس‌هایی که در اینستاگرامش گذاشته حدوداً ۵۵ سال است. در معرفی صفحه اسمش را مرضیه جون نوشته است.

مرضیه در ۵ پست تصویری از خودش به اشتراک می‌گذارد (پست ۴، ۵، ۷، ۸، ۹) که همه این تصاویر مربوط به فضاهای عمومی و تفریحی است شامل رستوران (پست ۷، ۸، ۱۰)، کنار دریا (پست ۴) و محوطه ویلاهای ساحلی (پست ۵). مرضیه سر و وضع مرتبی دارد اما نه اینکه بخواهد خیلی خوش تیپ باشد. لباس‌های معمولی می‌پوشد هم رنگ‌های روشن و هم تیره. معمولاً آرایش ندارد اما مرتب است. مثلاً پست هشتم، تصویری از خودش است، بر روی تختی در یک رستوران و در حال خوردن بستنی و تکیه داده به پشتی و دستش روی بالش. نگاه جدی به دوربین دارد. لباس‌های مشکی پوشیده. آرایش ندارد. موها به رنگ روشن کمی معلوم است. موبایلش جلوی چشمش است و یک سینی چای. یک گلدان و زیرگلدانی بزرگ نقره در کنار تصویر معلوم است. از نظر روابط اجتماعی می‌توان به حضور در فضاهای تفریحی و در کنار خانواده و بستگان و دوستانی که روابطش با آنها صمیمانه است (پست ۵، ۷) اشاره کرد. پست پنجم، عکسی از خودش و یک مرد جوان است، هر دو ایستاده و دست مرد بر روی شانه‌اش است و با دست دیگرش به او اشاره می‌کند. پشت سرشان ویلاهای ساحلی معلوم است. مانتوی چهارخونه مشکی و سفید و یک شال آبی ساده پوشیده است. لبخند کم‌رنگی دارد. در یک پست نیز تصویری از پسری نوجوان به اشتراک می‌گذارد (پست ۶) که اشاره‌ای به نسبتش با خود نمی‌کند اما با توجه به اینکه او را «زندگیم» خطاب می‌کند احتمالاً پسر یا نوه‌اش است. در مورد حالات

روحی و روانی، شادی در پست‌های مرضیه مشاهده می‌شود که با به اشتراک گذاشتن موزیک ویدئوهای شاد (پست ۲، ۳) و یا تبریک تولد گفتن (پست ۶) است. راز و نیاز با خدا و گله کردن از آدم‌ها (پست ۱) و اعتقادات مذهبی را نیز می‌توان در پستی که عکس سفره نذری گذاشته (پست ۹) دید.

در بررسی این ۱۴۰ پست، می‌توان گفت که این زنان با به اشتراک گذاشتن پست‌هایی که بیانگر ویژگی‌های ظاهری، روابط اجتماعی و حالات روحی و روانی آن‌هاست، ۳ مضمون اصلی را مطرح می‌کنند: ۱- ظاهر آراسته، ۲- حضور فعال اجتماعی و ۳- جستجوی عشق و آرامش. البته میزان مشاهده این سه مضمون در کاربران مختلف متفاوت است: مثلاً در پست‌های لادن مضمون حضور فعال اجتماعی و ظاهر آراسته برجسته است، در پست‌های مرجان مضمون جستجوی عشق و آرامش و در پست‌های روژین هر سه مضمون به صورت متناسب وجود دارد. به‌طور کلی در مورد این ۱۰ کاربر، جستجوی عشق و آرامش بیشترین مضمون ارائه شده است، حضور اجتماعی نیز متناسب با شرایط بیان شده فردی مثل لادن با هنرپیشه‌ها و افراد مطرح، یکی با دوستان، دیگری با خانواده و بعضی حتی با بستگانی که ازدست‌داده‌اند. مضمون ظاهر آراسته به‌جز در مورد ۳ کاربر که عکسی از خود به نمایش نگذاشته‌اند، در مورد مابقی کاربران دیده می‌شود. خلاصه‌ای از وضعیت این ۱۰ کاربر در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. مضامین مرکزی به‌کاررفته در صفحه اینستاگرام کاربران

نام کاربر	مضامین مرکزی		
	ظاهر آراسته	حضور اجتماعی	جستجوی عشق و آرامش
لادن	* زیبایی و آراستگی،	تعداد زیاد دوستان و	شاد بودن و شادی کردن، عشق و
دنیال‌کننده: ۳۴۵۵	شهرت، رنگ‌های شاد	چهره‌های مشهور در	دوست داشتن، درخواست از خدا
دنیال‌شونده: ۸۸۶	و جذاب (عمدتاً	کنار خود	برای کمک و معجزه، شکرگذاری،
جمع‌پست: ۱۲۸	قرمز)، چهره شاد و	بستگان نزدیک ولی	ترس از دست دادن، تجربه خوب
	سرحال	نه اشاره مستقیم	حضور در جمع، همدلی با
			همدردهایش، نیاز به درک شدن

۱. مضمونی که بیشتر از همه در پست‌های کاربر برجسته بوده با علامت ستاره مشخص شده است.

مضامین مرکزی			نام کاربر
جستجوی عشق و آرامش	حضور اجتماعی	ظاهر آراسته	
عشق به خدا و شکرگذاری، واگویه‌های درونی (شکایت از سرنوشت، شکایت از رفتار آدم‌ها و حقه‌بازی‌ها، درماندگی به خاطر اشتباه کردن، حسرت تلف شدن زندگی، درس گرفتن از شکست)	*خصایل انسانی و توصیه‌هایی برای روابط اجتماعی خوب، اشاره به همکاران	هیچ عکسی از خود در صفحه اینستاگرامش نگذاشته. تقریباً هر روز یک پست به اشتراک می‌گذارد.	لیلا دنبال‌کننده: K۱۲,۲ دنبال‌شونده: ۳۱۸۸ جمع‌پست: ۴۱۳
*شکایت از رفتار آدم‌ها، عشق، شکایت از روزگار و سرنوشت، دردها و رنج‌ها	خانواده و بستگان نزدیک (دختر، خواهر، برادرزاده)	آرایش و آراستگی، عکس‌های ادیت‌شده	مرجان دنبال‌کننده: ۹۷۱ دنبال‌شونده: ۱۶۰ جمع‌پست: ۷۶
*عشق و حال خوش و لذت بردن از زندگی، انتقاد و اعتراض‌های اجتماعی	*دوستان، همسر	*آرایش و آراستگی، رضایت از چهره	روژین دنبال‌کننده: ۲۰۹۳ دنبال‌شونده: ۱۵۲ جمع‌پست: ۲۰۷
عشق احوال بد داشتن	عدم اشاره به دوستان، آشنایان و بستگان	*عکس‌های سلفی، زیبایی و آراستگی و ژست‌های غیرمعمول، خواستار دیده شدن	بهناز دنبال‌کننده: ۱۵۳ دنبال‌شونده: ۱۰۳۸ جمع‌پست: ۱۶
*وابستگی به موبایل و موبایل به‌عنوان همدم، فقدان یکی از بستگان نزدیک، اعتقادات مذهبی و درد دل کردن با خدا	بستگان نزدیک (خواهر و مادر) دوست	عکس سلفی، آرایش و آراستگی، رنگ قرمز	ساحل دنبال‌کننده: ۲۳۷ دنبال‌شونده: ۲۹۹ جمع‌پست: ۴۱
*راز و نیاز با خدا و چشم انتظار لطف خدا بودن، فقدان یکی از بستگان نزدیک، عشق، اعتقادات مذهبی، اشتباه کردن در گذشته	بستگان نزدیک (پدر)، دوست	آراستگی، لباس‌های رنگی و شاد، استفاده از زیورآلات	سهیلا دنبال‌کننده: ۳۷۶ دنبال‌شونده: ۴۸۱ جمع‌پست: ۱۱
*راز و نیاز با خدا و کمک خواستن از	خانواده و بستگان	هیچ عکسی از خود در	زهرا

مضامین مرکزی			نام کاربر
جستجوی عشق و آرامش	حضور اجتماعی	ظاهر آراسته	
او، درست رفتار کردن، حال خوب داشتن و غصه نخوردن	نزدیک (خواهر، خواهرزاده)، «مخاطب خاص»	صفحه اینستاگرامش نگذاشته	دنبال کننده: ۲۸۲ دنبال شونده: ۱۸۶ جمع پست: ۱۳
*راز و نیاز با خدا، فقدان یکی از بستگان نزدیک، شکایت از روزگار و خسته شدن از دنیا، شکایت از آدم‌ها، حسرت زندگی گذشته	بستگان نزدیک (پدرش)، به شخص خاصی به عنوان دوست اشاره نمی‌کند	هیچ عکسی از خود در صفحه اینستاگرامش نگذاشته	تنها دنبال کننده: ۱۶۸ دنبال شونده: ۳۲۱ جمع پست: ۵۲
شادی، راز و نیاز با خدا، اعتقادات مذهبی	حضور در فضاهای تفریحی با دوستان و بستگان	* معمولی اما مرتب	مرضیه دنبال کننده: ۱۴۳ دنبال شونده: ۱۲۱ جمع پست: ۲۹

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف مطالعه تصویر زنان بی‌خانمان بهبود یافته در اینستاگرام صورت گرفته است. زنانی که هر چند در رسانه‌های رسمی تصویرشان، نه توسط خود که با عاملیت اصحاب رسانه صورت می‌گیرد، اما در شبکه‌های اجتماعی جدید از جمله اینستاگرام برای ارائه تصویر خود عاملیت یافته و خود جدیدی را به نمایش می‌گذارند که با تصویر شناخته شده از آنان در رسانه‌های رسمی متفاوت است.

زنان بدون گذشته

با این هدف از مجموع ۱۴۰ پست مطالعه شده از حساب‌های کاربری اینستاگرام زنان بی‌خانمان بهبود یافته سه دسته مضمون شناسایی شد که در بخش یافته‌ها مفصل توضیح داده شد. این پست‌ها ترکیبی است از تصاویر خود فرد و یا عکس‌نوشته‌ها و موزیک ویدئوهای برگرفته و کپی شده از کانال‌های تلگرام یا صفحات اینستاگرام. در مورد بعضی افراد تغییر از پست‌های اول صفحه اینستاگرام با پست‌های آخر وجود دارد. یکی در ابتدا بیشتر عکس

پرتره و یا سلفی از خود می‌گذارد و در پست‌های آخر متن می‌گذارد و دیگری برعکس. از نظر محتوا نیز بعضاً تغییراتی میان پست‌های اول با پست‌های آخر مشاهده می‌شود مثلاً پست‌های اول لیلاً بیشتر روابط درونی و فردی (خودسازی و درگیری با خود) است و پست‌های آخر بیشتر به توصیه برای روابط اجتماعی بهتر می‌پردازد. از آنجایی که این زنان در فرودستی خود به‌عنوان زنی بی‌خانمان، دردها و رنج‌های مختلفی را متحمل شده‌اند، مضمون جستجوی آرامش در پست‌های اکثر آن‌ها دیده می‌شود با بیان دردها و رنج‌هایی مانند تحقیر، تنهایی، بی‌پناهی، راز و نیاز با خدا و خدا را جایگزین مشکلات کردن به‌عنوان راه حل، شکایت از سرنوشت و شکایت از رفتار آدم‌ها؛ اما آنچه در دو مضمون ظاهر آراسته و حضور اجتماعی ارائه می‌شود با دوران بی‌خانمانی این زنان متفاوت است و حتی در تعارض با آن قرار می‌گیرد. تعارضی که حتی در مشاهده ضمنی تصویر این زنان در رسانه‌های رسمی از جمله مطبوعات و برنامه‌های تلویزیونی^۱ نیز دیده می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که وقتی این گروه از زنان در ارائه «تصویر خود» عاملیت می‌یابند، آنگاه این تصویر کاملاً با تصاویر معمول و شناخته‌شده از آنان در رسانه‌های رسمی متفاوت می‌شود، چراکه دیگر در پست‌های اینستاگرامی این زنان شاهد مواردی نظیر بیماری، اعتیاد، بدبختی، زشتی، بی‌خانواده‌گی و ... نیستیم و حتی تصویری کاملاً متضاد با اینها مشاهده می‌کنیم. تصویری آکنده از سلامتی، سرزندگی و شادابی، آراستگی، خانواده‌داری و دوستی.

بر این اساس می‌توان گفت که گذار از بی‌خانمانی تا باخانمانی به‌صورت حذف گذشته در دو مضمون ظاهر آراسته و حضور اجتماعی دیده می‌شود. نکته اینجاست که آنچه این زنان در مضمون «ظاهر آراسته» و «حضور اجتماعی» نمایش می‌دهند هیچ تصویری از گذشته‌ای که پشت سر گذاشته‌اند نیست و گذشته کاملاً حذف و پنهان است. حتی این گذشته شامل مراکز حمایتی که در آن زندگی می‌کنند یا می‌کردند نیز می‌شود به‌طور مثال هیچ‌کدام از کاربران در پست‌های خود اشاره‌ای به مراکز حمایتی نمی‌کنند

۱. امکان اشاره به تولیدات تلویزیونی به دلیل محدودیت حجم در این مقاله وجود ندارد اما به بخش‌هایی از گزارش‌های مطبوعاتی در مقدمه بحث اشاره شده است.

فقط لادن در یک پست (پست ۱) به مرکز طلوع اشاره می‌کند آن‌هم به صورت کلی و یا در عکس‌های مختلفی که همراه آقای کرمی است از او به‌عنوان استاد، پسر و عشق یاد می‌کند و به این ترتیب افراد خارج از این مجموعه متوجه نقش آقای کرمی در زندگی لادن نمی‌شوند. به همین ترتیب، چند پست روژین (پست ۴، ۸، ۹) مربوط به محل کارش در یکی از همین مراکز حمایتی است ولی او نامی از آن نمی‌برد و صرفاً از آن به‌عنوان محل کارش یاد می‌کند. حتی در قالب انتقادات و اعتراض‌های اجتماعی نیز هیچ‌کدام به مسائل بی‌خانمانی نمی‌پردازند.

اما در نمایش مضمون جستجوی آرامش که بیانگر حالات روحی و روانی آن‌هاست قضیه متفاوت است: اول اینکه در مقوله‌های این مضمون تنوع زیادی وجود دارد (از شادی گرفته تا غم و اندوه، شکایت از سرنوشت تا شکایت از آدم‌ها، شکرخدا را گفتن تا از خدا شکایت کردن). دوم، کاربران مختلف در این مضمون با هم متفاوت هستند مثلاً لادن شخصی است که توانسته است به‌واسطه هنرپیشه شدن دوستان و چهره‌های زیادی را دور خود جمع کند پس می‌تواند از شادی حرف بزند اما مرجان یا ساحل یا بهناز چنین موفقیتی نداشته‌اند پس از تنهایی و غم و دل‌تنگی می‌گویند. سوم، حتی یک کاربر در مجموع پست‌هایش حالات روانی و روحی متفاوتی را به نمایش گذاشته است. مضمون جستجوی آرامش، وضعیتی است که زنان بی‌خانمان بهبود یافته در آن به سر می‌برند و در ارتباط با گذشته‌ای است که به تلویحاً بدان اشاره می‌کنند. این مضمون دردها و نیازهای این گروه را آشکار می‌کند و شاید تا حدی صحنه‌ای را که گافمن به آن اشاره می‌کند برهم می‌زند. البته گافمن هیچ لزومی نمی‌بیند که حتی در دنیای واقعی انسان‌ها خود واقعی‌شان را نمایش دهند، بلکه آن‌ها دنبال امکان‌هایی هستند که «خود» قابل پذیرشی را ارائه دهند؛ و این خود «یک تأثیر نمایشی است ... و مسئله مهم، نگرانی عمده، این است که آیا با پذیرش مواجه می‌شود یا با عدم پذیرش»^۱ (گافمن، ۱۳۹۶: ۲۸۲). بر این اساس، می‌توان گفت که اثرات زندگی قبلی (بی‌خانمانی) مانند استیگما یا داغ‌ننگی بر پیشانی، صحنه را برهم می‌زند و اجرای آن‌ها در دنیای واقعی را با مشکل که همان عدم پذیرش است مواجه می‌سازد؛ اما

۱. هرچند که این سؤال پیش می‌آید که کار تحقیقی بر روی این گروه نیز، این نمایش را برهم نمی‌زند؟

فضای مجازی دنیای دیگری است؛ چهره تغییر می‌کند، عکس از زوایای مختلفی گرفته می‌شود، عکس امکان ویرایش دارد، محل زندگی مهم نیست و دلیلی برای نشان دادن و اثبات محل زندگی وجود ندارد، نیازی به اشاره کردن به خانواده و بستگان نیست و بسیاری امکان‌های دیگر. در واقع فضای مجازی فضای اکنون است و نه گذشته و به این ترتیب امکان نمایش خود را به گونه‌ای که فرد با پذیرش مواجه شود بیشتر فراهم می‌کند.

آنچه از نتایج این تحقیق برمی‌آید این است که زنان بی‌خانمان بهبودیافته، در عرصه نمایش خود در صفحه اینستاگرام، گذشته را حذف کرده و تصویری از یک زن طبقه متوسط (احتمالاً رو به پایین) ارائه می‌دهند. از این روی ما با فقدان نمایش گذشته در گذار از بی‌خانمانی به باخانمانی مواجهیم. اینستاگرام در اینجا، حذف تاریخ، تاریخ‌زدایی و غیبت بی‌خانمانی و فرودستی را ممکن می‌سازد، امکانی که در زندگی واقعی و البته تصویری که از این گروه در رسانه‌های رسمی به چشم می‌خورد وجود ندارد. اینستاگرام به نقش بازی کردن و نمایش «چیز دیگری» یا یک «خود» جدید و «خود» مطلوب کمک می‌کند. نمایش «چیز دیگری»، هرچند به صورت غیر واقعی، کارکردی جبران‌کننده دارد، همان‌طور که الیور و چف «ارتباطات آنلاین را به‌عنوان جبران‌کننده فقدان ارتباط فضای واقعی» (Oliver and Cheff, 2014: 654) مطرح می‌کنند. از این روست که ما در تحلیل این پست‌ها با ابرمضمون «زنان بی‌گذشته» مواجه می‌شویم.

از زاویه‌ای دیگر، بر مبنای پروبلماتیک زندگی روزمره که در چارچوب مفهومی بدان اشاره شد نیز می‌توان گفت که زندگی روزمره عرصه‌ای نمایشی و انفعالی نیست. به‌رغم انکار فرودستی و بی‌خانمانی در فضای اینستاگرام، ابعاد روانی گذشته بی‌خانمانی همان‌طور که در مضمون جستجوی آرامش در مورد بیشتر کاربران دیدیم، همچنان وجود دارد مانند راز و نیاز با خدا، گله و شکایت از سرنوشت و از آدم‌ها، در جستجوی روابط اجتماعی بودن، ویدئو کلیپ‌هایی با عناوین زخم و مانند آن. در مورد بی‌خانمان‌ها فضاهای واقعی، برخلاف فضاهای مجازی، تداعی‌کننده فرودستی هستند. واقعیت، حتی در دوران بهبودی و پس از بی‌خانمانی، دائماً گذشته را تداعی می‌کند اما این زنان در اینستاگرام

براحتی از واقعیت جدا می‌شوند و شاید بتوان گفت که این زنان در اینستاگرام، «زندگی مجازی» برای خود می‌سازند. این جدایی از واقعیت، نقش جبران‌کننده را دارد یعنی آنچه در واقعیت باید می‌بود و نیست، در اینستاگرام یافت می‌شود. همچنین می‌توانیم بگوییم نیاز داشتن به فضایی که در زندگی واقعی احساس می‌شود اما جامعه توانایی فراهم کردن آن را ندارد و حضور در اینستاگرام امکان آن را فراهم می‌کند، مشابه نظریه «پیشروی آرام» آصف بیات که می‌گوید: «این گروه‌ها در عوض اعتراض و یا تبلیغ، مستقیماً وارد عمل می‌شوند تا نیازهایشان را البته به صورت فردی و با احتیاط برآورده کنند. حرکت آنان نوعی «سیاست» است، نه سیاست اعتراضی بلکه سیاست جبران و حرکت آن‌ها مبارزه‌ای برای دستاوردهای فوری و بلاواسطه است که عموماً از طریق اقدام مستقیم شخصی حاصل می‌شود» (بیات، ۱۳۹۱: ۲۹). از نظر بیات «میل به بقا و انعطاف‌پذیری شدید در مقابل سختی‌هاست که به تهدیدستان انگیزه لازم را برای تغییر الگوی زندگی‌شان می‌دهد. آنان با این کار، محیط اجتماعی‌ای را که در آن زندگی می‌کنند را تغییر می‌دهند» (بیات، ۱۳۹۱: ۸۹). در واقع به تاسی از نظریه آصف بیات می‌توانیم بگوییم که فضای مجازی و به‌طور خاص اینستاگرام یک فضای مقاومت و همچون خیابانی است که امکان «پیشروی آرام» یعنی تطابق با شرایط زندگی یا به تعبیر دوسرتو «تاکتیک کنار آمدن» و «هنر همزیستی» را برای فرودستان و در اینجا زنان بی‌خانمان بهبود یافته فراهم می‌کند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ صادقی، علیرضا. (۱۳۹۵). «خودمانی‌سازی بازار؛ تهیدستان و سیاست معاش». فصلنامه توسعه محلی، دوره هشتم، شماره ۱. صص ۲۷-۵۶. بهار و تابستان.
- اتابکی، تورج. (۱۳۹۶). دولت و فرودستان: فراز و فرود تجدد آمرانه در ترکیه و ایران. ترجمه: آرش عزیزی، تهران: نشر ققنوس.
- اجتهادی، مصطفی؛ کشفی‌نیا، وحید. (۱۳۹۸). «بررسی جامعه‌شناختی مخاطبان فرهنگ سلب‌ریتی در اینستاگرام فارسی». فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین. سال ۵، شماره ۲۰. صص ۱۱۳-۱۴۸. زمستان.
- اسپیواک، گایاتری. (۱۳۹۷). آیا فرودست می‌تواند سخن بگوید؟. ترجمه: ایوب کریمی، تهران: فلات.
- اکبرزاده جهرمی، سیدجمال‌الدین؛ رضوی‌زاده، سیدنورالدین؛ شیخی، محدثه. (۱۳۹۸). «نقش اینستاگرام در مدیریت بدن زنانه: مطالعه موردی زنان منطقه یک و بیست تهران». فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین. سال ۵، شماره ۲۰. صص ۳۷-۷۹. زمستان.
- بیات، آصف. (۱۳۹۱). سیاست‌های خیابانی. ترجمه: اسدالله نبوی چاشمی، تهران: پردیس دانش.
- جوادی، سید محمدحسین؛ پیله‌وری، اعظم. (۱۳۹۶). «بررسی تجربه‌زیسته مصرف‌کنندگان بی‌خانمان: پژوهش کیفی». فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد. سال ۱۱، شماره ۴۱. صص ۲۷-۴۸. بهار.
- حاتم‌آبادی، حمیدرضا؛ و همکاران. (۱۳۹۸). «بررسی شیوع بیماری‌ها و علل مراجعه بیماران بی‌خانمان به اورژانس بیمارستان امام حسین تهران از سال ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۶». مجله طب نظامی. دوره ۲۱، شماره ۲. صص ۱۱۵-۱۲۲. خرداد و تیر.
- ذوالفقاری، غلامعباس؛ نجومیان، امیرعلی. (۱۳۸۹). «درآمدی بر مطالعات فرودستان». فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ. سال ۵، شماره ۱۷. صص ۱۱۰-۱۲۵. تابستان.
- رحمانی، سعید؛ و همکاران. (۱۳۹۰). «فراوانی عوامل خطر عفونت‌های HIV و هیپاتیت در افراد بی‌خانمان شهر تهران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶». مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار. دوره ۱۸، شماره ۴. صص ۲۹۶-۳۰۱. زمستان.

رزاقی، نادر؛ دین پرست، ولی. (۱۳۹۳). «نقش تهیدستان شهری و لوطیان و جهال تهران در انقلاب مشروطیت». فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی. سال ۴، شماره ۲. صص ۱۲۵-۱۵۰. پاییز و زمستان.

سالارزاده امیری، نادر؛ محمدی، بختیار. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر بی‌خانمانی بی‌خانمان‌های شهر تهران». فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. دوره ۱، شماره ۱. صص ۹۳-۱۱۰. زمستان.

سفیری، خدیجه؛ خادم، رسول. (۱۳۹۲). «بررسی وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان شهر تهران». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال ۶، شماره ۱. صص ۵۱-۷۰. زمستان. سمیع، سمانه. (۱۳۹۷). سرگذشت پژوهی زنان کارتن‌خواب بازگشته به جامعه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات فرهنگی، به راهنمایی دکتر عباس کاظمی. دانشگاه علم و فرهنگ.

شوهانی، سیاوش. (۱۳۸۹). «عرایض؛ رهیافتی به تاریخ فرودستان». فصلنامه گنجینه اسناد. سال ۲۰، دفتر سوم. صص ۴۲-۷۸. پاییز.

غنیمتی، حسن؛ همکاران. (۱۳۹۶). «ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث مددسراهای شبانه و نقش آن‌ها در زندگی افراد بی‌خانمان در شهر تهران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. سال ۶، شماره ۱۶. صص ۹۱-۱۰۶. بهار.

صدیق سروسرستانی، رحمت اله؛ نصر اصفهانی، آرش. (۱۳۸۹). «اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران: پژوهشی کیفی». بررسی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۱، شماره ۴. صص ۱-۱۸. زمستان.

فصیحی، سیمین. (۱۳۹۶). «فرودستان به روایت طنز: تأملی تاریخی بر روزنامه چپته پابرهنه». فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی. سال ۸، شماره ۳۱. صص ۸۳-۱۰۶. بهار.

فلیک، اووه. (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

کاظمی، عباس. (۱۳۹۶). پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی. تهران: فرهنگ جاوید.

کیانی، مژده. (۱۳۹۸). «هویت جنسی کاربران شبکه‌های اجتماعی؛ تحلیل گفت‌وگوهای کامنت‌های کاربران شبکه‌های اینستاگرام و تلگرام». فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین. سال ۵، شماره ۲۰. صص ۱۴۹-۱۷۷. زمستان.

گافمن، اروینگ. (۱۳۹۶). نمود خود در زندگی روزمره. ترجمه: مسعود کیانپور، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۷). ضدروشن: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. ویراستار: مجتبی هوشمندی، قم: لوگوس.

نادری، احمد؛ دلورانی، آریاسپ. (۱۳۹۶). «روند معناسازی در تقابل تهیدستان شهری و دولت: مطالعه شهر تهران ۱۳۵۸-۱۳۴۵». فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۸، شماره اول. صص ۱-۲۱. بهار و تابستان.

نایار، پرامود کی. (۱۳۹۴). درآمدی بر رسانه‌های نوین و فرهنگ‌های مجازی. ترجمه سعیدرضا عاملی و گودرز میرانی. تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما.

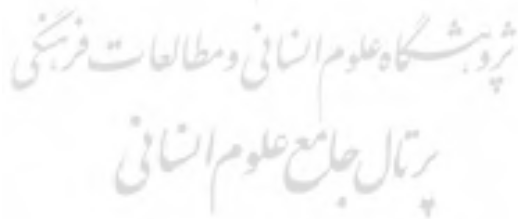
گزارشی از مشکلات بی‌خانمان‌ها: سقفی از چادر، روزنامه جام‌جم، ۸ مهر ۱۳۸۷
بی‌خانمانی تاوان گرفتن رضایت از مصدوم، روزنامه آفتاب‌یزد، ۳۰ شهریور ۱۳۸۷
نگاه کمی به پدیده کارتن‌خوابی و گرمخانه‌ها: گرمخانه‌ها گره‌گشایی یا گره‌زایی، روزنامه ایران، ۲۵ دی ۱۳۸۷

تعداد کارتن‌خواب‌ها رو به افزایش است، روزنامه آفتاب‌یزد، ۴ دی ۱۳۸۷
توضیح شهرداری درباره کارتن‌خواب‌ها، روزنامه جام‌جم، ۱ دی ۱۳۸۷
کارتن‌خواب‌ها؛ سوژه داغ زمستان‌های سرد، روزنامه جام‌جم، ۲۳ آذر ۱۳۸۷
دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر: معتاد کارتن‌خواب در کشور نداریم، روزنامه رسالت، ۲۰ آذر ۱۳۸۷

میهمانان کارتنی شهر، روزنامه رسالت، ۱۴ مهر ۱۳۸۷
آسیب اجتماعی، روزنامه اعتماد، ۹ بهمن ۱۳۹۷
چند برش از زندگی آقاییمیم: از کارتن‌خوابی تا روزنامه‌نگاری، روزنامه ایران، ۴ بهمن ۱۳۹۷
گزارش رسالت از بی‌توجهی به وضعیت کارتن‌خواب‌ها؛ زمستان برای کارتن‌خواب‌ها سردتر است، روزنامه رسالت، ۸ دی ۱۳۹۷

گرمخانه، روزنامه شرق، ۲ دی ۱۳۹۷
کارتن‌خوابی بی‌خانمان‌های غیرمعتاد در تهران، روزنامه شرق، ۲۱ مرداد ۱۳۹۷

- Brants, Kees; Voltmer, Katrin. (2011). *Political Communication in Postmodern Democracy; Challenging the Primacy of Politics*. London: Palgrave Macmillan
- Gonyea, Judith; Melekis, Kelly. (2017). "Older Homelessness Woman's Identity Negotiation: Agency, Resistance, and the Construction of Valued Self". *the sociological Review* (65): 67-82.
- Lewinson, Terri; Thomas, M. Lori; White, shaneureka. (2014). "Traumatic Transitions: Homeless Woman's Narratives of Abuse, Loss, and Fear", *Journal of Women and Social Work*. (29): 192-205.
- Oliver, Vanessa; Cheff, Rebecca. (2014). "The Social Network: Homeless Young Woman, Social Capital, and the Health Implications of Belonging Outside the Nuclear Family", *Youth & Sociology* (46): 642-662.
- Serafinelli, Elisa. (2018). *Digital Life on Instagram; New Social Communication of Photography*. United Kingdom: Emerald Publishing.
- Wardhaugh, Julia. (1999). "the Unaccommodated Woman: Home, Homelessness and Identity". *The Editorial Board of the Sociological Review* (47): 92-109.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی